

دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

شوخی طبیعی در ادبیات کودک

نام دانشجو:

الهام تقی پور

استاد راهنما:

آقای دکتر محمد کاظم یوسف پور

استاد مشاور:

آقای دکتر علی تسلیمی

اسفند ۹۰

پیشکش به مادرم که

لبخند نهاد بر لب من

بر غنچه گل شکفتن آموخت

و به پدرم

به پاس زحمات بی دریغش

تقدیر و تشکر

بر خود لازم می دانم که از راهنمایی‌ها و شکیبایی‌های استاد گرامتقدیرم، جناب آقای دکتر یوسف‌پور که همواره با لطف خویش ناراستی‌های این رساله را برطرف نمودند سپاسگزاری کنم. همچنین از استاد ارجمند جناب آقای دکتر تسلیمی نیز متشکرم که زحمت مشاوره این رساله را بر عهده داشتند.

از داوران محترم جناب آقای دکتر خائفی و جناب آقای دکتر صفایی نیز قدردانم که کاستی‌های این رساله را با دیده لطف به نقد می‌کشند.

و از تمامی اساتیدی که در این دوره بی‌دریغ از علم خویش سیرابم نمودند نهایت تشکر را دارم.

چکیده

(عنوان): شوخ‌طبعی در ادبیات کودک

(نام دانشجو): الهام تقی‌پور

ادبیات کودک با هر تعریفی که از آن ارائه شود، دو کارکرد اصلی آموزشی و سرگرم‌کنندگی دارد. توجه بیش از حد به جنبه آموزشی و تعلیمی ادبیات کودک آن را هدف اصلی خویش دور می‌سازد. آموزش مستقیم، ملال‌آور و خسته‌کننده است و سبب بی‌علاقگی کودک به مطالعه می‌شود. بدین منظور در ادبیات کودک همگام با کودکانه شدن کلمات و ترکیبات و ساختار، شعر و داستان باید به دنیای پر جنب و جوش و شاد کودکانه نزدیک‌تر شود و مطابق با ذهن و زبان او درآید.

آنچه در بین ژانرهای گوناگون ادبی می‌تواند برای رسیدن به این هدف، به یاری ادبیات کودک بیاید، شوخ‌طبعی و طنز است. شوخی سرشار از خلاقیت و ابتکار است چیزی که با ذهن نوپای کودک بسیار همگون و هماهنگ می‌باشد. کودک این توانایی را دارد که به همه چیز از دریچه‌ای دیگر توجه کند. این خلاقیت و بکر بودن ذهن کودک در قالب سؤالات، تخیلات و سخنان او به خوبی نمود می‌یابد. بنابراین اگر طنز بتواند وارد حوزه ادبیات کودک شود علاوه بر علاقه‌مند کردن کودک به مطالعه و در ورای آموزش رقیقی که در پس الفاظ دارد، ذهن و زبان او را بارور می‌سازد و او را بسیار زودتر با شیوه‌های دیگرگونه دیدن و اندیشیدن آشنا می‌سازد. البته محدودیت‌های کاربرد شوخی در ادبیات کودک نیز باید مورد توجه قرار بگیرد. زیرا در ورود طنز به عرصه ادبیات کودک بیم لودگی، مسخرگی، شوخی‌های نابه‌جا و آموزش نادرست طنز به کودک می‌رود. بنابراین طنز باید همانند سایر انواع ادبیات کودک کودکانه شود. به سخن بهتر باید کاربردی کودکانه بیاید تا هم‌اوا با دنیای کودک و در ورای بازی و خنده به دیگر رسالت خود یعنی آموزش بپردازد.

هدف از این پژوهش بررسی نحوه ورود طنز به ادبیات کودک بر پایه چند داستان در سه گروه سنی (الف، ب، ج) است. انتخاب این داستان‌ها در گروه‌های (ب و ج) با توجه به برگزیده بودن آنها صورت گرفته است. اما داستانک‌های طنز تصویری گروه سنی (الف) از چند مجله کودکان انتخاب شده‌اند. در این داستان‌ها انواع شگردهای شوخ‌طبعی با شاهد مثال از خود داستان‌ها آورده شده است. این سه گروه سنی بسیار به هم نزدیک هستند. به گونه‌ای که چندی است تقسیم‌بندی به گروه‌های سنی در کتاب‌های کودک مشاهده نمی‌شود. بنابراین نتایجی که از این رساله استخراج شده بر مبنای چند نمونه داستان برگزیده است و قابل تعمیم نمی‌باشد. اما از آن جهت که این داستان‌ها، داستان‌های موفق بوده‌اند، می‌توانند پایه و اساس قرار بگیرند. همچنین سایر داستان‌های برگزیده مورد مطالعه قرار گرفتند و از میان آنها این چند داستان انتخاب شدند.

نتایج به دست آمده از این رساله نشان می‌دهد که برای گروه سنی (الف) که بیشتر تصویرخوان هستند، غافلگیری، انسان‌نگاری، تقلید و تضاد، برای گروه سنی (ب) غافلگیری، انسان‌نگاری، تکرار، تضاد، بازی با کلمات، جابه‌جایی و وارونگی، و برای گروه سنی (ج) که درک بیشتری از شوخ‌طبعی دارند، استفاده از ضرب‌المثل، بازی با کلمات، استفاده از آرایه‌های ادبی، تکرار، حماقت و بلاهت، اغراق، بی‌معنی نویسی، عکس و تضاد بیشتر قابلیت کاربرد دارند.

کلید واژگان: ادبیات کودک، شوخ‌طبعی، طنز

Abstract

(Jocundity in children's literature)

(Elham Taghipour)

Children's literature by any given definition has two main usages which are education and entertainment. Too much attention toward educational and didactic dimension of children's literature will turn it away from its natural and true accomplishment. Direct education is boring and tedious and would lead to infant's disinterest to studying. Due to this fact in children's literature while turning words, sentences and structures to a more childish style poems and stories must get closer to children's happy and active world and get adjusted to their mind and language.

What you can find among different literal genre to achieve this goal and aide children's literature is jocundity and irony. We look differently toward everything by jocundity and irony. In better words irony is full of creativity which is very alike and consonant with infant's beginner mind. An infant has the ability to pay attention to everything from a different point of view. This creativity and newness of infant's mine would outbreak trough his/her questions, imaginations and speech obviously.

Therefor if irony could enter children's literature area it not also would make children interested in reading and beyond thin education it would prolific their mind and speech and would familiarize them with other ways of observation and thinking much sooner. Of course we must consider limitations of using irony in children's literature since while entering irony in this area it might get closer to tomfoolery, badinage, misplaced ironies and wrong education of irony to children. Therefor irony must always be similar to other kinds of children's literature. In other words it must find a childish usage to accomplish its other goal beyond playing and laughter and infant's world which is education. How these two subjects, children's literature and irony, are mixed and contiguous with each other is this thesis's subject. Therefor this research goal is to study method of entering irony to children's literature based a series of stories in three age groups (A, B, C).

Choosing these stories in groups (A, B, C) was done based on their literal value but pictorial funny stories of (A) age group were chosen from a series of children magazine. Different kinds of irony were presented through these stories. These three age groups are very close to each other so it's a while which there is no age categorization observed in children's books. Therefor presented results obtained from this thesis are based on a series of chosen stories samples and are not suitable for generalization. But since these stories were successful ones they could be used as base and foundation. What's more is that other literary chosen stories were studied too and a number of stories were chosen among them. Obtained results in this thesis indicate that for age group (A) which read more through pictures: surprise, humanized characters, imitation and opposition, for age group (B): surprise, humanized characters, repeat, opposition, playing with worlds, misplacement and conversion and for age group (C), who have a higher and better understanding of jocundity, using proverbs, playing with worlds, repeat, stupidity and foolishness, exaggeration, writing meaningless and opposition could be used more.

Key words: children's literature, jocundity, irony

فصل اول:

- ۱-۱ کلیات، بیان مسئله، ضرورت و اهداف پایان نامه..... ۲
- ۲-۱ روش تحقیق..... 4
- ۳-۱ پیشینه تحقیق و مشکلات پایان نامه..... ۴

فصل دوم:

- ۱-۲ تعریف ادبیات کودک..... ۷
- ۲-۲ پیشینه ادبیات کودک (جهان)..... ۱۱
- ۱-۲-۱ پیشینه ادبیات کودک (ایران)..... ۱۴
- ۱-۲-۱-۱ نشریات مجلات کودک..... ۲۰
- ۳-۲ اهداف ادبیات کودکان..... ۲۳
- ۴-۲ اهمیت و ضرورت ادبیات کودک..... ۲۵
- ۵-۲ محدودیت‌های ادبیات کودک..... ۲۶
- ۶-۲ شرایط و ویژگی‌های داستان‌نویسی برای کودکان..... ۲۷
- ۷-۲ انواع ادبیات کودک..... ۳۲
- ۱-۷-۲ کتاب‌های داستانی..... ۳۳
- ۱-۷-۲-۱ داستان‌های واقعی..... ۳۳
- ۲-۷-۲-۱ داستان‌های زندگی اطفال..... ۳۳
- ۳-۷-۲-۱ داستان‌های حیوانات..... ۳۴
- ۴-۷-۲-۱ داستان‌های ماجراجویی..... ۳۴
- ۵-۷-۲-۱ داستان‌های تاریخی..... ۳۵
- ۶-۷-۲-۱ داستان‌های فکاهی و طنز آمیز..... ۳۵
- ۷-۷-۲-۱ داستان‌های عاشقانه..... ۳۶

۲-۷-۲ افسانه‌ها..... ۳۶

۲-۷-۲ ۱- افسانه‌های توأم با تکرار..... ۳۹

۲-۷-۲ ۲- افسانه‌های حیوانات سخنگو..... ۳۹

۲-۷-۲ ۳- افسانه‌های فکاهی..... ۳۹

۲-۷-۲ ۴- افسانه‌های حماسی..... ۴۱

۲-۷-۲ ۵- افسانه‌های فلسفی- دینی..... ۴۱

۲-۷-۲ ۶- افسانه‌های عاشقانه..... ۴۱

۲-۷-۲ ۷- افسانه‌های جادویی..... ۴۲

فصل سوم:

۳-۱ شعر داستانی کودک..... ۴۴

۳-۲ عناصر شعر کودک..... ۴۴

۳-۲-۱ زبان..... ۴۴

۳-۲-۲ عاطفه..... ۴۵

۳-۲-۳ خیال‌پردازی..... ۴۶

۳-۳ ویژگی‌های شعر کودکانه..... ۴۶

۳-۳-۱ وزن..... ۴۸

۳-۳-۲ قافیه..... ۵۱

۳-۳-۳ قالب..... ۵۳

۳-۳-۴ معنی و مضمون..... ۵۵

۳-۳-۵ مفهوم و موضوع..... ۵۶

۳-۴ انواع شعر کودک..... ۵۷

۳-۴-۱ لالایی..... ۵۷

- ۳-۴-۲ متل..... ۵۹
- ۳-۴-۳ اشعار پوچ و بی‌معنی..... ۶۲
- ۳-۴-۴ چیستان..... ۶۴
- ۳-۵-۳ تصویرگری کتاب کودک..... ۶۵
- ۳-۵-۱ کتاب‌های تصویری..... ۶۷
- ۳-۵-۲ کتاب‌های مصور..... ۶۷
- ۳-۵-۳ کمیک‌استریپ..... ۶۸
- ۳-۵-۴ کتاب‌های عروسکی..... ۶۹
- ۳-۶-۳ ویژگی‌های تصویرگری کتاب کودک..... ۶۹
- فصل چهارم:
- ۴-۱ نظریه‌های رایج در مورد متون مطایبه‌آمیز..... ۷۴
- ۴-۱-۱ نظریه ویکتور راسکین..... ۷۴
- ۴-۱-۲ نظریه فوناژی..... ۷۴
- ۴-۱-۳ نظریه گرما..... ۷۵
- ۴-۱-۴ نظریه برتری طلبی..... ۷۶
- ۴-۱-۵ نظریه رهایی و تسکین..... ۷۶
- ۴-۱-۶ نظریه نشانه شناختی..... ۷۷
- ۴-۱-۷ نظریه شناختی- ادراکی..... ۷۷
- ۴-۱-۸ نظریه ناسازگاری یا ناهماهنگی..... ۷۷
- ۴-۲-۲ خنده و عوامل آن..... ۷۸
- ۴-۳ شوخ‌طبعی و شاخه‌های آن..... ۷۹
- ۴-۳-۱ مطایبه..... ۸۰

- ۴-۳-۲ فکاهی (همور)..... ۸۱
- ۴-۳-۳ لطیفه/جک..... ۸۱
- ۴-۳-۴ آبرونی..... ۸۲
- ۴-۳-۵ شوخی تلخ/ زهرخند/ تلخ خند..... ۸۳
- ۴-۳-۶ کمدی..... ۸۳
- ۴-۳-۷ طنز..... ۸۴
- ۴-۴-۴ شگردهای شوخ طبیعی..... ۸۶
- ۴-۴-۱ حماقت و کودن‌نمایی..... ۸۶
- ۴-۴-۲ اغراق و بزرگ‌نمایی..... ۸۶
- ۴-۴-۳ تضاد و تناقض..... ۸۷
- ۴-۴-۴ ایجاز و تطویل..... ۸۸
- ۴-۴-۵ آنتی هومر..... ۸۸
- ۴-۴-۶ پارودی..... ۸۹
- ۴-۴-۷ بورلسک (نقیضه)..... ۸۹
- ۴-۴-۸ تشبیه به حیوانات..... ۸۹
- ۴-۴-۹ دگرگون‌سازی و جابه‌جایی..... ۹۰
- ۴-۴-۱۰ خراب کردن سمبل..... ۹۰
- ۴-۴-۱۱ کنایه..... ۹۱
- ۴-۴-۱۲ تکیه کلام..... ۹۱
- ۴-۴-۱۳ نقیضه/ ویژگی ظاهری..... ۹۱
- فصل پنجم:
- ۵-۱ کاربرد طنز در ادبیات کودک..... ۹۴

۹۷.....۲-۵ کاربرد شوخی و شوخ طبعی برای کودکان

۹۹.....۱-۲-۵ ویژگی های کاربرد شوخی و شوخ طبعی برای کودکان

۱۰۰.....۲-۲-۵ محدودیت های طنز کودک

گفتار اول (گروه سنی الف)

۱۰۳.....بازی

۱۰۴.....حمام کردن

۱۰۵.....آب تنی

۱۰۶.....عینک آفتابی

۱۰۷.....سلمانی

۱۰۸.....اهدای خون

۱۰۹.....یک اتفاق خوب

۱۱۰.....گرگ گرسنه خیال پرداز

۱۱۱.....جاروی بی برق

۱۱۲.....پسرک و خر

۱۱۳.....لبخند

۱۱۴.....خندونک

۱۱۵.....پرنده ای که نمی توانست پرواز کند

۱۱۷.....بافتنی های مادر بزرگ

۱۲۰.....مدرسه حیوانات

۱۲۲.....شنگل و منگل و چنگل

گفتار دوم (گروه سنی ب):

۱۲۵.....قصه های کوتی کوتی

در دروزگاری که هنوز پنج‌شنبه و جمعه اختراع نشده بود..... ۱۳۰

گفتار سوم (گروه سنی ج):

آقای گام شما بدجنسید..... ۱۴۵

محلۀ میکروب‌خان..... ۱۶۱

خانوادۀ آقای چرخشی..... ۱۶۵

نتیجه‌گیری..... ۱۸۱

پیشنهادات..... ۱۸۲

منابع..... ۱۸۳

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسئله، ضرورت و اهداف پایان نامه

کودک و آنچه با او پیوستگی و ارتباط دارد همیشه مورد توجه بوده است. بستری که دنیای کودک و آینده او را می‌سازد، باید دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی باشد تا بتواند ذهن او را پروراند و او را با دنیای پیرامونش آشنا سازد. در این بین ادبیات کودک سهم قابل توجهی از دنیای کودکان را به خود اختصاص می‌دهد.

شوخ‌طبعی و طنز از شاخه‌های ادبیات و از نیازهای بزرگسالان و کودکان است. همه‌چیز در خواندنی‌های خاص کودکان متناسب با سن، علایق و نیازهای کودک شکل می‌گیرد و بنابراین طنز نیز باید متناسب و همگام با درک و نیاز او سامان پذیرد. از آن جهت که سن کودکی سن بازی، ترانه، جنب و جوش و تحرک است و شوخی و خنده از نیازهای اساسی زندگی کودک می‌باشد و همچنین عرصه و مرز طنز و شوخی بسیار نزدیک به لودگی و مسخرگی است، ضرورت و اهمیت توجه به کاربرد طنز برای کودکان بیشتر احساس می‌شود.

در این رساله بعد از بیان توضیحاتی پیرامون ادبیات کودک و همچنین تبیین انواع و شگردهای شوخ‌طبعی سعی شده که ویژگی‌های کاربرد طنز برای کودکان در گروه‌های سنی (الف، ب، ج) شناسایی شود و در چند داستان برگزیده مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد. در پایان این نکته بیان می‌شود که بسته به سن کودک کدام‌یک از تکنیک‌های طنزپردازی باید برای او مورد استفاده قرار بگیرد. به‌عنوان مثال برای گروه سنی (الف) که بیشتر تصویرخوان هستند، غافلگیری، انسان‌انگاری، تقلید و تضاد، برای گروه سنی (ب) غافلگیری، انسان‌انگاری، تکرار، تضاد، بازی با کلمات، جابه‌جایی و وارونگی، و برای گروه سنی (ج) که درک بیشتری از شوخ‌طبعی دارند، استفاده از ضرب‌المثل، بازی با کلمات، استفاده از آرایه‌های ادبی، تکرار، حماقت و بلاهت، اغراق، بی‌معنی نویسی، عکس و تضاد بیشتر قابلیت کاربرد دارند.

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان به سؤالات زیر اینگونه پاسخ داد:

(۱) طنز و شوخ‌طبعی چیست؟ چه انواع و کاربردی دارد؟

شوخی طبیعی یکی از انواع ادبی محسوب می‌شود که با اهداف متعددی از قبیل خندانندن، سرگرم کردن، انتقاد کردن، آگاهی دادن، سرکوب کردن و به سخره گرفتن شکل می‌گیرد. آنچه شوخی طبیعی را از سایر گونه‌های ادبی متمایز می‌سازد، معنای نهفته در پس کلمات و جملات و تضاد آن با ظاهر کلمات می‌باشد. البته این ویژگی در کنایه نیز وجود دارد به همین جهت کنایه یکی از شیوه‌های طنزپردازی به شمار می‌رود.

شوخی طبیعی عنوانی کلی است که انواع زیر، شاخه‌ها و زیر مجموعه آن می‌باشد:

فکاهه/ مطایبه/ هجو/ هزل/ طنز/ گروتسک/ لطیفه/ آبرونی/ شوخی تلخ/ طنز سیاه/ فانتری.

شوخی طبیعی شیوه ای برای بیان و روشی پذیرفتنی برای انتقاد است. به گونه‌ای که حتی شخص انتقاد شونده از شنیدن و خواندن آن لذت برده و آن را می‌پذیرد. در لوای طنز و فکاهه می‌توان اموری را که به صورت تابو در آمده در هم شکست. به همین جهت یکی از راه‌های آشنایی، شناخت و مطالعه فرهنگ هر جامعه‌ای مطالعه طنزها و لطیفه‌هایی است که در آن رواج دارد.

۲) ادبیات کودک باید دارای چه ملاک‌ها و ویژگی‌هایی باشد؟

ادبیات کودک شاخه‌ای در ادبیات است و شامل آثار ادبی و غیر ادبی‌ای می‌باشد که یا برای کودکان نوشته شده و یا توسط کودکان نوشته می‌شود. از آنجا که مخاطب این ادبیات کودکان هستند، نویسندگان آنها باید علایق و نیازهای مخاطب خود را تشخیص داده و همسو با آن گام بردارند. کودک تشنه آموختن است و بر عهده ادبیات ویژه اوست که سیرایش گرداند. آنچه از کتاب در ذهن کودک نقش می‌بندد تأثیر به‌سزایی در میزان علاقه او به مطالعه در بزرگسالی دارد. شعر و داستانی که برای کودک عرضه می‌شود باید بتواند کودک را هم از جهت بصری و هم از جهت محتوایی ارضا کند. سادگی و روانی، به‌کار گرفتن واژگان، جملات و تعبیراتی که در دایره زبان کودک می‌گنجند، همسو شدن با محدوده فکر و دانش کودکان و ورود به دنیای کودکان آنها از ویژگی‌های محتوایی نگارش برای کودکان می‌باشد. ویژگی‌های بصری کتاب نیز مربوط به اندازه، قطر، تصویرگری و جنس جلد و برگ‌های کتاب است.

۳) آیا ادبیات کودک (شعر و داستان) ظرفیت به‌کارگیری طنز را دارد؟

ادبیات کودک ظرفیت و قابلیت پذیرش طنز و شوخی طبیعی را دارد. البته طنزی که به کودک ارائه می‌شود باید ساده و رقیق باشد و رنگی کودکانه به خود بگیرد، زیرا کاربرد طنز برای کودکان راه رفتن بر لبه تیغ است. اگر در طنزپردازی برای کودکان دقت و ظرافت به کار نرود بازتاب آنچه به کودک آموخته می‌شود لودگی، مسخرگی، دست انداختن و شوخی‌های سخیف خواهد بود. همه انواع شوخی طبیعی را نمی‌توان

برای کودکان به کار برد. به عنوان مثال هجو، هزل، گروتسک، طنز تلخ و سیاه در ادبیات کودک جایی ندارند. انواع دیگر نیز باید بسیار ساده به کودک ارائه شود.

۴) آیا طنز تأثیری در یادگیری و آموزش بهتر مفاهیم به کودکان دارد؟

دنیای کودکانه دنیایی شاد و پرهیاهو است. آموزش مستقیم ملال آور و خسته کننده است و طبع بازیگوش کودک از آن سر باز می زند. بنابراین بهترین راه برای آموختن مطالب به کودک آمیختن آنها به چاشنی شادی، خنده و بازی است. شاید اگر بگوییم تنها راه پذیرا کردن و دلنشین کردن آموختنی ها به کودکان طنز و شوخی است، گزاف نگفته ایم.

۵) حد و مرز (محدودیت های) کاربرد شوخ طبعی در ادبیات مخصوص کودک چگونه است؟

مهم ترین محدودیت کاربرد شوخ طبعی برای کودکان محدودیت سن و تفکر کودک است. درک و دریافت شوخی نیازمند ذکاوت بیشتری است. مخاطب باید بتواند معنای نهفته در کلام نویسنده را دریابد، ناهماهنگی و ناهمگونی آن را تشخیص دهد و از آن به خنده بیفتد. از دیگر سو ذهن کودک خالی از تصویر و طرز نگرش است و به آسانی نقش می پذیرد بنابراین به راحتی آنچه را که در شوخی می آموزد، در موارد مشابه به کار می بندد و این امکان وجود دارد که آنچه از طنز فراگرفته طعنه زدن، بدزبانی و خندیدن به اشتباهات دیگران باشد. بنابراین وظیفه طنزپرداز و رسالت طنز در حوزه ادبیات کودک دشوارتر خواهد بود.

۶) آیا ورود شوخ طبعی و طنز در ادبیات کودک به رشد و گسترش قابلیت های این نوع ادبی می انجامد؟

در پاسخ به این سؤال می توان گفت اگر شوخ طبعی خود را با ویژگی های کودکان هماهنگ کند می تواند بهترین قالب برای ادبیات کودکان باشد.

روش این پایان‌نامه که یک پژوهش نظری است، تحلیلی - توضیحی است که در حوزه تحقیقاتی کتابخانه‌ای قرار می‌گیرد. بنابراین پس از بررسی جامع و فیش‌برداری در مورد ادبیات کودک و شوخ‌طبعی که حدود نیمی از زمان پژوهش را به خود اختصاص می‌دهد، و بررسی کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به تحلیل و توضیح داستان‌ها پرداخته می‌شود.

1-3- پیشینه تحقیق و مشکلات پایان‌نامه

در زمینه ادبیات کودک و طنز و شوخ‌طبعی کتاب‌ها و نظریه‌های متعددی وجود دارد، اما جمع بین این دو یعنی "شوخ‌طبعی در ادبیات کودک" موضوعی است که به تازگی مورد توجه قرار گرفته و لذا به صورت جامع و مبسوط به آن پرداخته نشده است و تنها در حد چند گزارش و یا نقد کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌است. که کمک چندانی برای این رساله نبوده‌اند. بنابراین انجام این پایان‌نامه به دلیل نبودن الگویی برای چگونگی نحوه مراحل کار و حتی مباحث نظری کافی که به‌خوبی بتواند ادبیات کودک را با شوخ‌طبعی پیوند بزند کاری دشوار بوده است.

فصل دوم

ادبیات منشور کودک (نثر کودکانه)

برای تعریف ادبیات کودک دو دیدگاه وجود دارد. گروهی (اکثریت) دو مفهوم "ادبیات" و "کودک" را از هم تفکیک می‌کنند. یعنی در ابتدا به تعریف ادبیات به معنای عام و کلی آن می‌پردازند، سپس به واژه کودک و دوران کودکی توجه می‌کنند و در نهایت این دو را در کنار هم قرار می‌دهند و ویژگی‌ها، اهداف و محدودیت‌هایی برای آن برمی‌شمارند. در این تعریف "کودک" جزئی است که به "ادبیات" اضافه می‌شود و "ادبیات کودک" بخشی از ادبیات به معنای عام آن است و صورت ساده‌شده ادبیات بزرگسالان می‌باشد. آنها تفاوت ادبیات کودک با ادبیات بزرگسال را در محدودیت‌های زبانی، اندیشگانی و عاطفی می‌دانند. ابوالحسنی در این باره می‌گوید: «آنچه ادبیات کودک را از ادبیات بزرگسال متمایز می‌کند تفاوت بین نیازها و امکانات کودکان و بزرگسالان می‌باشد و این دو بخش ادبیات هیچ تفاوت بنیادینی در ویژگی‌ها ندارند» (ابوالحسنی، ۱۳۸۵: ۱۵).

در دیدگاهی دیگر، ادبیات به معنای اعم کلمه بر ادبیات کودک برتری ندارد و اضافه شدن "کودک" به "ادبیات" از شأن آن نمی‌کاهد. پیروان این نظر معتقدند که این دو مفهوم متقابلاً یکدیگر را تعریف می‌کنند. آنها بر این باورند که: «ادبیات کودک به معنای "کتاب‌هایی که برای کودکان مناسباند" به نوبه خود بیش از هرچیز حاکی از آن است که نمی‌توانیم دو واژه تشکیل‌دهنده عبارت ادبیات کودک یعنی "کودک" و "ادبیات" را از هم جدا کنیم، به معنای مستقل و اصلیشان برگردانیم و سپس دوباره آنها را برای فهم ژرف معنای "ادبیات کودک" کنار هم بگذاریم. هر دو کلمه در عبارت "ادبیات کودک" در جهت و به خاطر هدف‌های قلمرویی که بدان تعلق دارند، یکدیگر را کاملاً تعدیل می‌کنند و موجب تغییر معنای یکدیگر می‌شوند. خلاصه اینکه "کودک" "ادبیات کودک" سازه‌ای ویژه از کودک است که لزوماً هیچ ارتباطی به کودکان دیگر (برای نمونه آن‌گونه که در تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، هنر و یا ادبیات مطرح می‌شوند) ندارد. همچنین "ادبیات" "ادبیات کودک" تصویر ویژه‌ای از ادبیات است که لزوماً به هیچ‌گونه ادبیاتی به‌ویژه ادبیات بزرگسال ربطی ندارد. (خسرونزاد، ۱۳۸۷: ۲۹۵-۲۹۴) «گروه نخست به‌طور ضمنی چنین پنداشتند که ادبیات و کودکی دارای تعریف‌های ماهوی و مستقل از هم هستند. همین نکته باعث شکل‌گیری دو دیدگاه "ادبیات‌گرا" و "کودک‌گرا" در ادبیات کودک می‌شود که آیا در نوشته‌های کودکان باید اصل را بر ادبیات گذاشت یا بر کودک» (همان: ۱۳۶).

به دلیل کثرت دیدگاه اول ابتدا به همان شیوه به توضیح اجمالی در مورد ادبیات و سپس مفهوم ادبیات کودک می‌پردازیم. ادبیات با همه گستردگی و ژرفایش هنوز به تعریفی جامع که مورد پسند و قبول همه صاحب‌نظران باشد دست نیافته‌است و هرکس بنا به دریافت شخصی خویش از ادبیات، به نوعی تعریفی از آن ارائه داده‌است.

- عده‌ای ادبیات را پدیده‌ای اجتماعی قلمداد می‌کنند و برآنند که پدیده‌های اجتماعی در تعریف نمی‌گنجند.

- گروهی ادبیات را مجموعه‌ای از بازتاب‌های آدمیان در مواجهه با عوامل درونی و بیرونی می‌پندارند که با دو عنصر تخیل و عاطفه در پی سعادت آدمی است.

- از دیدگاهی دیگر ادبیات شامل همه آثار مکتوب یک ملت یا یک سرزمین و یا یک زمان و زبان است.

- به تعریفی دیگر ادبیات فن بیان و انتقال تجربیات بشر به دیگران به یاری الفاظ و کلام دانسته شده است.

- به عبارت کلی‌تر ادبیات مجموعه‌ای از تظاهرات هنری هر قوم است که در قالب کلام ریخته شده باشد. (ر.ک. سامانیان، ۱۳۸۱: ۲۳).

همه این تعاریف ناشی از برداشت‌های متفاوتی از یک موضوع یا مفهوم است که افراد به فراخور درک و احساس خود دارند. تفاوت تعاریف و دیدگاه‌ها در حوزه ادبیات کودک فراتر از این است زیرا برداشت‌ها از مفهوم کودکی متفاوت می‌باشد. «به این معنا که تصورات در مورد مفهوم کودکی و آنچه ما "کودکی" می‌نامیم برحسب زمان و نوع جامعه فرق دارد و عمدتاً براساس انتظارات و خواسته‌های بزرگسالان از کودکان مشخص می‌شود» (سیدآبادی، ۱۳۸۵: ۱۵۹). توضیح بیشتر اینکه، کودکی دورانی است که آن را علاوه بر ویژگی‌های جسمی، فرهنگی و اعتقادی و... شرایط اجتماعی-اقتصادی نیز تعریف و تبیین می‌کنند و بسته به تلقی‌های گوناگون در فرهنگ‌های مختلف معنایی متفاوت دارد. (ر.ک. خسرونژاد، ۱۳۸۴: ۲۶۱) هر تعریفی که از ادبیات کودک ارائه شود نشانگر رویکرد خاصی نسبت به این مقوله است.

- «ادبیات کودکان عبارت است از هرگونه متنی که با چهارچوب و طرح مشخصی به‌طور عمد و یا غیرعمد برای کودکان آفریده شده باشد، به صورتی که کودک با آن ارتباط برقرار کند و این رابطه منجر به برانگیختن احساسات، عواطف و پدید آمدن لذت زیباشناختی شود و تأثیرات خاص روحی و روانی روی کودک بگذارد و سبب رشد شناخت او شود» (محمدی، ۱۳۷۸: ۳).

- «ادبیات کودک به مجموعه آثار و نوشته‌هایی (کتاب‌ها و مقالات) گفته می‌شود که به وسیله نویسندگان متخصص برای مطالعه آزاد کودکان تهیه می‌شود و در همه آنها ذوق و سطح رشد و نضج کودکان مورد توجه است» (سامانیان، ۱۳۸۱: ۲۴).

- «ادبیات کودک و نوجوان در تعریفی دیگر آثار مکتوب تخیلی و هنرمندانه‌ای است که یا برای کودکان و نوجوانان نوشته شده باشد یا بدون چنین قصدی چنان خلق شده باشد که توجه و علاقه آنان را برانگیزد [...] تخیلی و هنرمندانه بودن این ادبیات نیز که به جنبه زیباشناختی، هنری و خیال‌پردازانه آن در بازآفرینی واقعیت تأکید دارد، آن را از نوشته‌های غیرتخیلی وفادار به ثبت واقعیات، به قصد آموزش یا ایجاد مهارت در مخاطب جدا می‌سازد. عبارت "برای کودکان و نوجوانان" هم به این معنی است که آنچه به صورت مقاله یا داستان درباره کودکان و نوجوانان نوشته شده باشد و مخاطب آن بزرگسالان باشند و نثر و پرداختش درخور فهم کودکان نباشد، مصداق این تعریف نخواهد بود. جمله "چنان خلق شده باشد که..." ناظر بر آثاری است که نویسنده برای کودکان نوشته ولی مخاطب کودک و نوجوان پیدا کرده و بعدها در حوزه این نوع ادبیات راه یافته است؛ مانند *ولپورتویست*، اثر چارلز دیکنز» (سعادت، ۱۳۸۴: ۳۱۲).